



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

:: جزء نهم ::

جزء نهم قرآن کریم از آیه ۸۸ سوره اعراف تا پایان و آیات اول تا ۴۰ سوره انفال؛ در حدود ۱۶۰ آیه نورانی را دربرگرفته است. معارف محوری در این جزء را می توان در بخش ها و موضوعات زیر بیان کرد:

معارف محوری سوره اعراف: آیات ۸۸ تا ۲۰۶ (پایان سوره)

در سوره اعراف خداوند متعال داستان پیامبران الهی علیهم السلام را بیان می کند که برخی در جزء هشتم گذشت. در جزء نهم مطالبی درباره قوم حضرت شعیب علیه السلام و همچنین قوم حضرت موسی علیه السلام بیان شده است.

قوم شعیب علیه السلام

پس از بیان داستان هایی از قوم نوح و هود و صالح علیهم السلام که در جزء هشت گذشت در ادامه به بخشی از سرگذشت قوم شعیب علیه السلام می پردازد.

خیرخواهی پیامبران علیهم السلام

اکثر پیامبرانی که در سوره اعراف از آنان سخن به میان آمده است به قوم شان این چنین گفته اند که ما خیرخواه شما هستیم و هیچگاه در پی برتری جویی نسبت به شما نبوده و نیستیم و نمی خواهیم آرامش شما را سلب کنیم؛ بلکه به دنبال آن هستیم که به زندگی شما آرامش و آسایش ببخشیم:

«وَنَصَحْتُ لَكُمْ»^۱

معنای «نصح»

واژه «نصح» به معنای خیرخواهی است که در فرهنگ روایات ما جایگاه ویژه ای دارد. امام

۱. الأنفال: آیه ۷۹ داستان حضرت صالح علیه السلام و قوم ثمود و همچنین آیه ۹۳ داستان حضرت شعیب علیه السلام و قوم مدین.

صادق علیہ السلام از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نقل کرد که آن حضرت فرمود:

«إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^۱

بلندمرتبه ترین مردم نزد خدا در روز قیامت کسانی هستند که بیش از دیگران در راه خیرخواهی مردم گام برداشته اند.

امام صادق علیہ السلام فرمود:

«يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يُنَاصِحَهُ»^۲

بر هر مؤمنی لازم است نسبت به مؤمن دیگری خیرخواه باشد.

آن حضرت در روایت دیگری این خیرخواهی را در همه حالات لازم دانسته اند و فرموده اند:

«يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ»^۳

بر هر مؤمنی لازم است نسبت به مؤمن دیگری خیرخواه باشد؛ چه در حضور او و چه در غیابش.

در روایتی دیگر امام صادق علیہ السلام از رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^۴

در قیامت کسانی صاحب قدر و منزلت با عظمت تری هستند که در دنیا بیش از دیگران به دنبال خیر مردم بوده اند.

ایمنی از عذاب الهی

در آیات ۹۶ تا ۱۰۲، خداوند متعال خطاب به همه مردم از کسانی که از مکر و عذاب الهی احساس امنیت می کنند، گله می کند:

«أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»^۵

آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر [و مجازات] خدا ایمن نمی دانند!

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۸.

۲. الکافی؛ ج ۲، ص ۲۰۸.

۳. همان.

۴. همان.

۵. الأعراف: ۹۹.

از امام کاظم علیه السلام روایت شده است که:

«دَخَلَ عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَلَمَّا سَلَّمَ وَجَلَسَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ - الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ ثُمَّ آمَسَكَ فَمَسَكًا لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا أَشْكَّتَكَ قَالَ أَحِبُّ أَنْ أُعْرِفَ الْكَبَائِرَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ نَعَمْ يَا عَمْرُو أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ الْإِشْرَاقُ بِاللَّهِ يَقُولُ اللَّهُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ بَعْدَهُ الْإِيَّاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - إِنَّهُ لَا يَبْيَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ثُمَّ الْأَمْنُ لِمَكْرِ اللَّهِ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ»^۱

شخصی به نام عمرو بن عبید خدمت امام صادق علیه السلام رسید. بعد از سلام نشست و این آیه را خواند:

«آن کسانی که از گناهان کبیره و از هرزگی‌ها کناره‌گیری می‌کنند»^۲ سپس ساکت شد. امام صادق علیه السلام به او فرمود: چه شد ادامه ندادی؟ گفت: من می‌خواهم گناهان کبیره را از روی کتاب خدای عزوجل بشناسم.

امام علیه السلام در پاسخ شروع به برشمردن گناهان کبیره نمود:

۱. بزرگ‌ترین گناهان کبیره، شرک به خدا است، خدا می‌فرماید: «هر کس به خدا شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام کرده است»^۳.

۲. و پس از آن نومیدی از رحمت خدا است، زیرا خدای عزوجل می‌فرماید: «به راستی که نومید نشود از رحمت خدا جز مردمی که کافر باشند»^۴.

۳. و سپس ایمنی از مکرو عقوبت خداوند، زیرا خدا عزوجل می‌فرماید: «ایمن نمی‌دانند خود را از مکر خدا جز زیانکاران»^۵.

قوم موسی علیه السلام

در آیات ۱۰۳ تا ۱۷۴ قرآن کریم داستان حضرت موسی علیه السلام را بازگو می‌کند.

۱. أصول کافی، ج ۲، ص ۱۲۸۵-۲۸۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۳؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. الشوری: ۳۷؛ النجم: ۳۲.

۳. المائدة: ۷۲.

۴. یوسف: ۸۷.

۵. الاعراف: ۹۹.

خلافت ہارون علیہ السلام

در جریان داستان موسی علیہ السلام، ماجرای خلافت حضرت ہارون علیہ السلام برادر موسی علیہ السلام نیز آمده کہ در آیه ۱۴۲ بیان شده است:

«وَأَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمَمٍ مِيقَاتٍ رَبِّهِ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم. سپس آن را با ده شب [دیگر] تکمیل کردیم. به این ترتیب، میعاد پروردگارش [با او]، چهل شب شد. و موسی به برادرش ہارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش و به اصلاح برخیز! و از روش مفسدان، پیروی نکن!»

بر اساس روایات موجود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم رابطہ علی علیہ السلام با خودش را همچون رابطہ ہارون علیہ السلام با موسی علیہ السلام دانسته است:

«ان رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم خرج الی تبوک واستخلف علیا علیہ السلام فقال علیہ السلام: أتخلفنی فی الصبیان والنساء؟ قال صلی اللہ علیہ وسلم: ألا ترضی ان تکون منی بمنزلة ہارون من موسی؟ الا انه لیس نبی بعدی»^۱

پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم به سوی تبوک حرکت کرد و علی علیہ السلام را به جای خود قرار داد. علی علیہ السلام عرض کرد: آیا مرا در میان کودکان و زنان می گذاری [و اجازه نمی دهی با تو به میدان جہاد بیایم]؟ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: آیا نمی خواهی کہ نسبت تو به من همانند ہارون علیہ السلام نسبت به موسی علیہ السلام باشد؟ جز اینکه پیامبری بعد از من نخواهد بود.

عذر ہارون علیہ السلام

وقتی موسی علیہ السلام از میقات برگشت با صحنہ ای تأسف بار مواجه شد. او دید کہ قومش از خلیفہ و جانشین او سربچی کرده اند و دوبارہ به شرک و بت پرستی برگشته اند. علت را از برادرش ہارون علیہ السلام جویا شد. او در جواب گفت:

«ابن أمّ إِنْ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي»^۲

فرزند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذاردند و ناتوان کردند و نزدیک بود مرا بکشند؛ و چون من نخواستم در امت تفرقه بیفتد در برابر شرک آنها کوتاه آدمم.

پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در لحظات پایانی عمر شریف شان به امیر المؤمنین علیہ السلام فرمودند:

۱. صحیح بخاری، جزء ششم، ص ۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷ هر دو به نقل از تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۳۴۳.

۲. الأعراف: ۱۵۰.

«يَا أُخِي إِنَّكَ سَتَبْقَى بَعْدِي وَ سَتَلْقَى مِنْ قُرَيْشٍ شِدَّةً مِنْ تَطَاهُرِهِمْ عَلَيْكَ وَ ظَلَمِهِمْ لَكَ فَإِنْ وَجَدْتَ عَلَيْهِمْ أَعْوَانًا فَفَاتِلْ مَنْ خَالَفَكَ بِمَنْ أَطَاعَكَ وَ وَاظِقْ وَ إِنْ لَمْ تَجِدْ أَعْوَانًا فَاصْبِرْ وَ كَفَّ يَدَكَ وَ لَا تُلْقِ بِهَا إِلَى التَّهْلُكَةِ فَإِنَّكَ مَعِيَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ لَكَ بِهَارُونَ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ إِذِ اسْتَضَعَفَهُ قَوْمُهُ وَ كَادُوا يَقْتُلُونَهُ فَاصْبِرْ لظَلْمِ قُرَيْشٍ وَ إِيَّاكَ وَ تَطَاهُرِهِمْ عَلَيْكَ»^۱

برادرم علی! تو بعد از من، ظلم و ستم‌های فراوانی را از قریش در پشتیبانی از یکدیگر علیه خود خواهی دید. اگر یاورانی را یافتی به کمک آنها علیه مخالفین خود نبرد کن و اگر یاورانی پیدا نکردی صبر کن و خودداری نما و خود را به هلاکت مینداز؛ زیرا نسبت تو با من مانند نسبت هارون علیه السلام با موسی علیه السلام است. هارون علیه السلام برای تو الگوی خوبی است. هنگامی که قومش او را تحت فشار قرار دادند و ناتوان شمردند و نزدیک بود که او را بکشند. [همان‌گونه که امت موسی علیه السلام در نبود او به جانشینش یعنی هارون علیه السلام ظلم کردند؛ امت من نیز در غیاب من به تو که جانشین بر حق من هستی ظلم خواهند کرد.] پس بر ظلم و همدستی آنان علیه خود صبر کن.

گرفتاری‌های بنی اسرائیل

با اینکه خداوند متعال با فرستادن پیامبری چون موسی علیه السلام لطفش را بر بنی اسرائیل کامل کرد؛ اما بنی اسرائیل به دلیل سرپیچی از دستورات خداوند و رهنمودهای حضرت موسی علیه السلام و جانشین او هارون علیه السلام، سرنوشت نامبارک و ناخوشایندی پیدا کرده اقتدارشان را از دست دادند و سرانجام دچار ذلت شدند و دشمنان شان بر آنها مسلط شدند.

سرنوشت شوم آنها که جز عذاب دنیایی این قوم ناسپاس نبود در آیات ۱۶۷ و ۱۶۸ بیان شده است:

«وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ * وَ قَطَّعْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَ مِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَ بَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

و [نیز به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت اعلام کرد تا دامنه قیامت، کسی را بر آنها مسلط خواهد ساخت که همواره آنها را در عذاب سختی قرار دهد؛ زیرا پروردگارت مجازاتش سریع [و در عین حال، نسبت به توبه‌کاران] آمرزنده و مهربان است. * و

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۶۴؛ تفسیر کنز الدقائق، ج ۵، ص ۱۸۸؛ کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۶۸ (با اندکی تفاوت).

آنها را در زمین به صورت گروه‌هایی، پراکنده ساختیم؛ گروهی از آنها صالح و گروهی ناصالح‌اند. و آنها را با نیکی‌ها و بدی‌ها آزمودیم، شاید بازگردند!

پیام قرآن کریم در این بخش

پیام قرآن این است که هرامتی که با پیامبر و جانشین او و به طور کلی رهبران دینی خود همان کاری را کند که بنی اسرائیل با رهبران دینی خود کردند سرانجامی جز ذلت و چنددستگی نخواهند داشت.

بلعم باعورا

در آیات ۱۷۵ تا ۱۷۹، خداوند به داستان یکی از دانشمندان دنیا طلب در قوم حضرت موسی علیه السلام اشاره می‌کند. شخصی که بر اساس روایات و تفاسیر مختلف، نام او «بلعم باعورا» است.^۱ وی اگرچه عالم بود؛ ولی به تعبیر قرآن کریم «أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ»^۲ بود.

او پیرو هوا و هوس خود شد^۳ و قرآن او را به سگی تشبیه کرد که هیچگاه زبانش را در داخل دهانش نمی‌برد و در همه حال از رفتار او عطش و گرسنگی نسبت به دنیا فهمیده می‌شود:

«فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ»^۴

مثل او همچون سگ [هاری] است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز و زبانش را بیرون می‌آورد و اگر او را به حال خود واگذاری باز همین کار را می‌کند [گویى چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود!]

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

«أَبْلَغُ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَأَخْبِرُهُمْ أَنَّا لَنْ نُغْنِيَ عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ، وَأَنَّهَمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِعَمَلٍ أَوْ وَرَعٍ وَأَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ»^۵

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۹۵؛ بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۳۸۰.

۲. الأعراف: ۱۷۶.

۳. از بسیاری از روایات و کلمات مفسران می‌شود که منظور از این شخص مردی به نام «بلعم باعورا» بوده که در عصر موسی علیه السلام زندگی می‌کرد و از دانشمندان و علمای مشهور بنی اسرائیل محسوب می‌شد و حتی موسی علیه السلام از وجود او به عنوان یک مبلغ نیرومند استفاده می‌کرد و کارش در این راه آن قدر بالا گرفت که دعایش در پیشگاه خدا به اجابت می‌رسید، ولی بر اثر تمایل به فرعون و وعده و وعیدهای او از راه حق منحرف شد و همه مقامات خود را از دست داد، تا آنجا که در صف مخالفان موسی علیه السلام قرار گرفت. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۴.

۴. الأعراف: ۱۷۶.

۵. قرب الإسناد، ص ۳۳؛ مستطرفات السرائر، ج ۳، ص ۶۲۵-۶۲۶؛ إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۱۴.

به شیعیان ما سلام برسانید و به آنها بگویید: آنچه که آنها را نجات می‌دهد اعمال آنهاست و ایشان به ولایت ما نمی‌رسند مگر در سایه عمل و تقوا. در روز قیامت حسرت کسی از همه بیشتر است که مردم را به سوی حق دعوت کرده؛ ولی خودش با آن مخالفت کرده است.

نفی شرک

در آیات ۱۸۰ تا ۱۹۸ سخن از نفی شرک است. در آیات میانی این بخش وجدان بیدار انسان را خطاب قرار داده و با چند پرسش در صدد آن است که او را از پرستش توهمی خارج کند:

«أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يَخْلُقُونَ * وَلَا يَسْتَتِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَ لَا أَنفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ * وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَمِتُونَ»^۱

آیا موجوداتی را شریک او قرار می‌دهند که قدرت ندارند کمترین چیزی را بیافرینند و خودشان آفریده می‌شوند؟! * و [این شریکانی که برای خدا قرار می‌دهند] نه می‌توانند پرستش‌کنندگان خود را یاری دهند و نه قدرت دارند خودشان را یاری کنند. * و اگر آن شریکان را به سوی هدایت بخوانید، از شما پیروی نمی‌کنند، برای شما یکسان است که آنان را بخوانید یا خاموش باشید [در هر صورت چیزی از آنان نصیب شما نمی‌شود].

چند دستور اخلاقی

در پایان این سوره؛ یعنی از آیه ۱۹۹ تا ۲۰۶، چند توصیه اخلاقی مطرح شده است.

سکوت در برابر قرآن و گوش سپردن به آن

یکی از مهم‌ترین آن دستورات، آیه ۲۰۴ است که می‌فرماید:

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرادهید و خاموش باشید شاید مشمول رحمت خدا شوید!

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَجِبُ الْإِنْصَاتُ لِلْقُرْآنِ فِي الصَّلَاةِ وَفِي غَيْرِهَا وَإِذَا قُرِئَ عِنْدَكَ الْقُرْآنُ وَجَبَ عَلَيْكَ

الْإِنصَاتُ وَالِاسْتِمَاعُ^۱

سکوت در برابر آوای قرآن، در نماز و غیر نماز واجب است و هنگامی که نزد شما قرآن خوانده می شود بر شما لازم است که سکوت کرده به آن گوش فرا دهید.

معارف محوری سوره انفال: آیات ۱ تا ۴۰

این سوره رمز سعادت را در گرو اطاعت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ اعلام کرده و همین نکته مهم پیام اصلی این سوره را تشکیل می دهد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۲

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما [حیات معنوی و] زندگی [واقعی] می بخشد، دعوت می کنند اجابت کنید.

در روایتی امام باقر علیه السلام یکی از مصادیق بلکه بارزترین مصداق آنچه خدا و رسولش به آن دعوت می کنند را ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام معرفی می کند.^۳

دعوت به جهاد برای مقابله با فتنه

در ادامه خداوند متعال مؤمنین را دعوت می کند که برای جهاد با کفار آماده و مهیا باشند:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۴

و با آنان بجنگید تا فساد و فتنه (خونریزی و ناامنی) [بر جا نماند و دین] در سراسر گیتی [ویژه خدا شود؛ پس اگر از فتنه بازایستند] با آنان نجنگید [زیرا خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست].

زدودن کدورت بین مؤمنین و برقراری صلح و صفا میان آنها (اصلاح ذات البین)

در آیه نخست سوره انفال، خداوند متعال به مؤمنین دستور می دهد تا ضمن رعایت تقوا به کدورت های بین خود نیز توجه کرده و با میانجی گری و داوری شایسته تلاش کنند روابط مؤمنان با یکدیگر همگی حسنه و به دور از کینه و اختلاف باشد.

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۸۹؛ ص ۲۲۱

۲. الأنفال: ۲۴.

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۳۶؛ ص ۱۲۳.

۴. الأنفال: ۳۹.

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۱

تقوا را پیشه خود سازید و در میان خود اصلاح کنید و برادرانی را که با هم ستیزه کرده اند آشتی دهید.

امیرمؤمنان علی ع پیوسته می فرمود:

«لَأَنْ أُصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»^۲

آشتی دادن میان دو نفر را از دو دینار صدقه دادن بیشتر دوست دارم. پیامبر خدا ص فرمود: سازش دادن میان مردم از یک سال نماز و روزه برتر است.

ویژگی های مؤمنین

در آیات ۲ و ۳ ویژگی های مؤمنین شمرده شده است:

مؤمنین کسانی هستند که تا نام خداوند متعال را می شنوند دل هایشان هراسان می شود (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ).

وقتی آیات الهی را می شنوند ایمانشان افزایش پیدا می کند (وَإِذَا تَلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا).

اهل ایمان پیوسته بر خداوند متعال توکل می کنند (وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ).

مؤمنین آن هایی هستند که اهل به پاداشتن نماز و دادن زکات هستند (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ).

حضرت خدیجه کبری ع اولین زنی بود که به پیامبر ص ایمان آورد و با او نماز خواند و همه ثروتش را در راه تبلیغ و نشر اسلام هزینه کرد. او به حق مصداق خوبی برای این بخش از آیه شریفه است.

یاری رساندن خداوند به رزمندگان اسلام در جنگ بدر

در ادامه آیات خداوند به حمایت های خود از پیامبر ص و اهل ایمان اشاره کرده و ماجرای «دارالندوة» و تصمیم مشرکین بر قتل رسول خدا ص و لطف الهی که سبب نجات جان آن حضرت ص شد را بیان می دارد:

«وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْنِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يُمَكِّرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»^۳

۱. الانفال: ۱.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۸.

۳. الأنفال: ۳۰.

[به خاطر بیاور] هنگامی را که کافران نقشه می‌کشیدند که تورا به زندان بيفکنند یا به قتل برسانند و یا [از مگه] خارج سازند آنها نقشه می‌کشیدند و خداوند هم تدبیر می‌کرد و خدا بهترین چاره‌جویان و تدبیرکنندگان است.

لزوم ایستادگی در میدان نبرد

در آیات ۱۵ تا ۱۹ به موضوع نبرد با دشمنان اسلام پرداخته و احکامی را در این باره بیان می‌دارد؛ احکامی مانند ممنوعیت فرار از جهاد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلا تُؤَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با کافران در میدان جهاد روبرو شدید به آنها پشت نکرده و فرار اختیار ننمایید.

لزوم اطاعت از پیامبر ﷺ

در آیات ۲۰ تا ۲۸ بار دیگر بر لزوم اطاعت و پیروی از رسول خدا ﷺ تأکید کرده و کسانی که به ظاهر می‌شنوند؛ ولی در عمل اطاعت نکرده و پیروی نمی‌کنند را شنوایان ناشنوا می‌خواند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرِسُولَهُ وَلا تَوَلُّوا عَنْهُ وَانْتُمْ تَسْمَعُونَ * وَلا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لا يَسْمَعُونَ»^۲

ای اهل ایمان! از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و در حالی که [سخنان بر حق او را] می‌شنوید، از او روی نگردانید. * و مانند کسانی نباشید که [از روی تظاهر] گفتند: شنیدیم در حالی که [از روی حقیقت] نمی‌شنوند.

حمایت‌های خداوند از پیامبر ﷺ و اهل تقوا

در آیه ۲۹، خداوند بیان می‌دارد که ثمره تقوای الهی، تشخیص حق از باطل است و خداوند به برکت رعایت تقوا، نیرویی به انسان می‌دهد که بتواند راه درست را از نادرست تشخیص دهد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَاناً وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر تقوا پیشه کنید و از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید به شما نورانیت و روشن بینی خاصی می‌بخشد که بتوانید حق را از باطل به خوبی تشخیص دهید.

۱. الانفال: ۱۵.

۲. الانفال: ۲۰-۲۱.